بسم الله الرحمن الرحيم

خشونت خانگی
به‌مثابه جرم حکومتی

ایولین راس

ترجمه

دکتر نبی‌اله غلامی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

پژوهشکدهٔ حقوق

تهران ـ ۱۴۰۴

سرشناسه	:	رز، اولین Rose, Evelyn
عنوان و نام پدیدآور	:	خشونت خانگی به مثابه جرم حکومتی/ ایولین راس؛ ترجمه نبی‌اله غلامی.
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	:	۳۰۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۶۶-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Crimes of the powerful, domestic violence as state crime: a feminist framework for challenge and change.
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	خشونت خانگی
موضوع	:	Domestic Violence
موضوع	:	جرایم دولتی
موضوع	:	State crimes
شناسه افزوده	:	غلامی، نبی‌اله، ۱۳۶۵ - ، مترجم
شناسه افزوده	:	پژوهشکده حقوقی شهر دانش
رده‌بندی کنگره	:	HV۶۲۵۰/۲
رده‌بندی دیویی	:	۳۶۲/۸۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۰۱۲۷۱۲۲

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

https://sdil.ac.ir/shop/

عنوان: **خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی**

ترجمه: **دکتر نبی‌اله غلامی**

ناشر: پژوهشکده حقوقی شهر دانش

صفحه‌آرا و ویراستار: سودابه رسولی

طراح جلد: زهرا کریمی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴

شمارگان: ۲۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۶۶-۴

بهاء: ۶۵۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریم‌خان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور بر عهده دارند.

کشور ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی را در توسعه کمّی ادبیات حقوقی کشور شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به‌مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات پژوهشکده حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای **دکتر نبی‌اله غلامی** در ترجمه کتاب **خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورداستفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

«کتاب ایولین راس که مشارکتی اساسی در جرم‌شناسی فمینیستی است، بحث در خصوص قوانین و خط‌مشی خشونت خانگی را به سطح بین‌المللی منتقل می‌سازد. با دخالت دادن ساختارها، نهادها و سازمان‌های حکومتی در [وارد ساختن] طیفی از آسیب‌ها به زنان و کودکان، جدا از بزه‌دیدگی اصلی خشونت خانگی، او «جرم حکومتی» خشونت خانگی را شناسایی می‌کند که مستعد مدیریت شدن با ارتقای عدالت و برابری است؛ یک «تغییردهنده بازی[1]» (ایوان استارک[2]، پروفسور بازنشسته، دانشکده روابط عمومی و مدیریت، دانشگاه راتگرز، نیوجرسی، ایالات متحده؛ نویسنده کتاب «کنترل اجباری: چگونه مردان زنان را در زندگی شخصی فریب می‌دهند»[3] (آکسفورد، ۲۰۰۷)).

«کتاب ارزشمند و جدید ایولین راس به کتاب مک‌کینون، پتمن و تیکنر[4] می‌پیوندد تا تحلیل‌های ما را در مورد اینکه چگونه و چرا حکومت‌های مردسالار و مقامات آن‌ها در خشونت علیه زنان شریک و مرتکب آن هستند، عمیق‌تر کند. کتاب حاضر درک فمینیستی من را تشدید کرده است» (سینتیا انلو[5]، استاد پژوهشگر علوم سیاسی، دانشگاه کلارک، ماساچوست، ایالات متحده).

«این کتاب مهیج و ضروری، معماری مفهومی جدیدی را برای پرداختن به خشونت خانگی و پاسخگو نمودن حکومت‌ها در خصوص خشونت مردانه علیه زنان ارائه می‌دهد. در یک تغییر پارادایم حیاتی، راس شکست و مشارکت حکومت‌ها در شیوع مستمرِ خشونت خانگی را مورد توجه قرار می‌دهد و انتقادات فمینیستی رادیکال از قدرت حکومتی را تقویت می‌کند» (مایکل سالتر[6]، دانشیار جرم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه نیو ساوت ولز، سیدنی، استرالیا).

«این کتابِ شیوا، پرشور و بلندپروازانه به بررسی نقش حکومت در ارتکاب خشونت خانگی می‌پردازد. ایولین راس با قاطعیت استدلال می‌کند که در شناسایی و توجه به خشونت خانگی به‌مثابه یک مسأله نظام‌مند، نهادی و ساختاری، یک شکست وجود داشته است. او استدلال می‌کند که حکومت اغلب به‌عنوان یک داور بی‌طرفِ آسیب معرفی می‌شود؛ اما در عمل به‌عنوان آغازگر، همکار و شریک در خشونت خانگی دخیل است. این کتاب بدیع، با طراوت و قانع‌کننده است و باید توسط محققان، کنشگران، سیاست‌گذاران و متخصصان مطالعه شود» (نیکولا

1. Game-changer
2. Evan Stark
3. Coercive Control: How Men Entrap Women in Personal Life
4. MacKinnon, Pateman and Tickner
5. Cynthia Enloe
6. Michael Salter

هنری[1]، استاد مطالعات اجتماعی و حقوقی، مرکز مطالعات اجتماعی و جهانی، دانشگاه آر ام آی تی، ملبورن، استرالیا).

«این کتاب مبتکرانه و متحول‌کننده، خشونت خانگی را به‌مثابه جرم حکومتی معرفی کرده و طرز فکر ما در مورد خشونت علیه زنان را تغییر خواهد داد. مداخله بدیع و قانع‌کننده راس با شناسایی مشارکت حکومت در خشونت خانگی از تماشاگر منفعل[2] تا کنشگر فعال، نشان می‌دهد که چرا رویکردهای جدیدی برای این جرمِ مخرب، مورد نیاز است» (جنیفر بالینت[3]، دانشیار در مطالعات اجتماعی و حقوقی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه ملبورن، استرالیا).

خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی

کتاب «خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی»، چالشی فعالانه را برای نحوه درک و توجه به خشونت خانگی ارائه می‌نماید. بر اساس دیدگاه فمینیستی رادیکال[4]، بحث اصلی کتاب پیش‌رو، این است که خشونت خانگی علیه زنان یک جرم حکومتی پدرسالارانه[5] است. نویسنده با تحلیل ابعاد بین‌المللی، جمعی، ساختاری و نهادی این آسیب، طیفی از مشارکت حکومت، از تماشاگر منفعل گرفته تا مولّد فعال[6]، شریک و مرتکب را ترسیم می‌نماید.

تحلیل جامع انجام‌شده در این کتاب بر اساس داده‌های مربوط به حوزه‌ها [و کشورهایی] با نظام سیاسی لیبرال ـ دمکراتیک، از جمله استرالیا، ایالات متحده و بریتانیا است، بدین منظور که به‌صورت جامع نشان دهد که جرم حکومتیِ خشونت خانگی ـ حتی در حال حاضر و در کشورهای [از نظر اقتصادی] کاملاً مترقی ـ ارتکاب می‌یابد. این تحلیل، بینش ارزشمندی در مورد این موضوع ارائه می‌نماید که چرا این جرم، در چنین مقیاس گسترده‌ای، همیشه در برابر انواع مداخلات معاصر مقاوم بوده است. اثر حاضر با ترسیم مفاهیم خود در یک کل منسجم، یک نظریه گونه‌شناختی فمینیستی کلی درباره خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی را مطرح می‌کند. همچنین به این موضوع می‌پردازد که اگر با ابعاد جرم حکومتی مقابله کنیم و رویکردی کل‌نگرتر و دگرگون‌کننده‌تر برای اصلاح و جبران کردن، پیشگیری و عدالت اتخاذ کنیم، در این صورت می‌توانیم به این موضوع بپردازیم که چگونه با خشونت خانگی مواجه شویم.

---

1. Nicola Henry
2. Passive bystander
3. Jennifer Balint
4. Radical feminist
5. Patriarchal state crime
6 Active producer

«خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی» یک مطالعه قابل دسترس و قانع‌کننده، مشارکت علمی و فعالِ نوآورانه در مطالعه خشونت علیه زنان، فمینیسم، جرم‌شناسی و مطالعه انتقادی گسترده‌تر در حوزه قانون، سیاست و جامعه را ارائه می‌نماید.

ایولین راس، عضو افتخاری گروه جرم‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه ملبورن.

جرایم صاحبان قدرت

مجموعه «جرایم صاحبان قدرت»، رفتارهای آسیب‌زا، مضر و بزه‌دیده‌سازی که توسط گروه‌های صاحب قدرت، صاحبان مشاغل خصوصی یا عمومی، شرکت‌ها و سازمان‌ها ارتکاب می‌یابند و همچنین پاسخ‌های سیاسی، حقوقی و اداری مبتنی بر حکومت به این جرایم را مورد توجه قرار می‌دهد.

این مجموعه از کتاب‌ها به اشتراکات نظریه‌ها، رویه‌ها و کنترل جرایم صاحبان قدرت توجه می‌نمایند. این مجموعه بر حوزه‌های هم‌پوشان و جهان‌های مرتبط با طیف وسیعی از حوزه‌های موجود و اخیراً در حال توسعه تحقیقات اجتماعی، تاریخی و رفتاری شامل، اقدامات نادرست سازمان‌های چندملیتی، حکومت ـ ملت‌ها، رژیم‌های بدون حکومت، شبکه‌های غیرقانونی، مالی‌سازی، جهانی‌سازی و امنیتی‌سازی تمرکز دارد.

این بررسی‌ها در مورد جرایم صاحبان قدرت، رشته‌های مرتبط و زمینه‌های مورد علاقه دانشگاهی، از جمله مطالعات جرم‌شناسی و عدالت کیفری، قانون و حقوق بشر؛ درگیری، صلح و امنیت؛ تغییرات اقتصادی، مسائل زیست‌محیطی و پایداری جهانی را شامل می‌شود.

گریک باراک[1]، دانشگاه میشگان شرقی، ایالات متحده

پنی گرین[2]، دانشگاه کوئین ماری لندن، بریتانیا

تونی وارد[3]، دانشگاه نورث آمبریا، بریتانیا

مرکز فساد؛ الکل، زندگی شبانه و جرایم صاحبان قدرت[4]

کنت سباستین لئون[5]

خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی؛ یک چارچوب فمینیستی برای چالش و تغییر

ایولین راس

---

1. Gregg Barak
2. Penny Green
3. Tony Ward
4. Corrupt Capital Alcohol, Nightlife, and Crimes of the Powerful
5. Kenneth Sebastian León

سپاسگزاری

افراد مهمی در فرایند تحقیق و نگارش این کتاب به من کمک کرده‌اند. از همکاران و دوستانم در دانشگاه ملبورن، به‌ویژه جنیفر بالینت و سارا میگر[1] برای حمایت فکری و کاری سپاسگزارم. در خارج از دانشگاه ملبورن نیز، بن موفیت[2] و نیکولا هنری به خاطر همکاری سخاوتمندانه خود، سزاوار قدردانی هستند. جامعه بین‌المللی همکاری آنلاین[3] که من به آن تعلق دارم و نیز بسیاری از افرادی که به این کار ابراز علاقه کرده‌اند، نیز شایسته تشکر هستند. از پزشکان و متخصصان تا اشخاص محلی و افراد از هر طبقه که عمیقاً نگران خشونت خانگی و خانوادگی هستند و به دنبال شنیدن ایده‌های جدیدی برای آن هستند، نیز تشکر می‌نمایم. همه این افراد و فرصت‌هایی که برای بحث در مورد کار من فراهم کرده‌اند، تعهد من به ارائه ایده‌های فمینیستی نوآورانه را تقویت کرده است. همچنین می‌خواهم بیان کنم که مدیون نسل‌هایی از پیشگامان شجاع فمینیست، به‌ویژه کاترین مک‌کینون، هستم که کار هوشمندانه، خلاقانه و شهودی‌اش در مورد خشونت علیه زنان، مظهر آن چیزی است که فکر می‌کنم کار آکادمیک و فعال فمینیستی باید باشد.

در نهایت نیز از افراد خاصی از زندگی شخصی‌ام تشکر می‌کنم. دوستان عزیز و صمیمی من، منبع صداقت عمیق، به اشتراک‌گذاری و آسایش. آن‌هایی که در مرکز زندگی من قرار دارند: نایجل[4] همیشه حامی من و تاشا[5] درخشان، زیبا و ارزشمند من.

1. Sara Meger
2. Ben Moffitt
3. international online co-working community
4. Nigel
5. Tasha

فهرست اختصاری مطالب

سخن ناشر ۵

مقدمه مترجم ۱۳

بخش نخست. خشونت خانگی، فمینیسم و جرم حکومتی

فصل نخست: نیاز به بازنگری اساسی در خصوص خشونت خانگی ۱۷

فصل دوم: تأکید مجدد بر فمینیسم رادیکال؛ بودن، احساس کردن، دانستن، اندیشیدن و انجام دادن ۴۱

بخش دوم. ابعاد جرم حکومتی خشونت خانگی

فصل سوم: خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی علیه بشریت ۶۷

فصل چهارم: خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی خُرد ۱۰۳

فصل پنجم: خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی ساختاری ۱۴۰

فصل ششم: خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی نهادی ترک فعلی ۱۷۹

فصل هفتم: خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی نهادی کارگزاری ۲۱۷

بخش سوم. نظریه‌مندسازی و توجه نمودن به خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی

فصل هشتم: نظریه گونه‌شناختی خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی ۲۵۹

فصل نهم: پاسخ به خشونت خانگی به‌مثابه جرم حکومتی ۲۷۶

مقدمه مترجم

کتاب حاضر را به‌واقع می‌توان «رنج‌نامه‌ای» بر وضعیت، جایگاه و موقعیت زنان در نظام‌های حقوقی کشورهای غربی دانست. به‌رغم ادعاهای حقوق بشری گسترده در خصوص وضعیت مطلوب زنان در کشورهای غربی که در بسیاری موارد به‌مثابه اهرمی برای فشار بر سایر کشورها مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، با این حال پژوهش صورت‌گرفته در این اثر، با ارائه مستندات حقوقی ـ قضایی از کشورهای مختلف، به‌وضوح وضعیت نامطلوب حقوق زنان در این کشورها را به تصویر کشیده است. آزار و خشونت خانگی و رفتار نامناسب و مغایر با کرامت انسانی دستگاه عدالت کیفری با بزه‌دیدگان این سوءرفتارها، در کنار فقدان یا نقص زیرساخت‌های حقوقی ـ اجتماعی در حوزه حقوق زنان باعث شده است تا خشونت خانگی از جمله مهم‌ترین مسائل جاری در نظام‌های حقوقی در بسیاری از کشورهای غربی قلمداد گردد.

نویسنده اثر حاضر که خود بزه‌دیده خشونت خانگی است، با تبیین نقش حکومت‌ها در وقوع خشونت خانگی، این پدیده را به‌مثابه جرم حکومتی مفهوم‌سازی و الگومند نموده است. به‌رغم اینکه الزاماً تمامی رویکردهای مندرج در این کتاب، از نظر فرهنگی و بومی و با در نظر گرفتن برخی اقتضائات جامعه ایرانی، مورد تأیید نمی‌باشد با این حال، به یقین مطالعه این کتاب می‌تواند در ارائه بینش‌های دقیق در خصوص وضعیت زنان در نظام حقوقی کشورهای غربی مؤثر باشد.

به‌مانند همیشه برخورد فرض دانسته و از جناب آقای دکتر وحید اشتیاق رئیس محترم پژوهشکده وزین حقوقی شهر دانش و سرکار خانم زهرا شیبانی به جهت مساعدت در چاپ اثر حاضر، تشکر نموده، توفیقات روزافزون آن‌ها را از درگاه خداوند منان خواستارم.

توفیق از خداست

نبی‌اله غلامی

خرداد ماه ۱۴۰۴

بخش نخست.

خشونت خانگی، فمینیسم و جرم حکومتی

فصل نخست

نیاز به بازنگری اساسی در خصوص خشونت خانگی

همه‌گیری ظلمت در دوران کووید

ساعت ۸:۳۰ صبح یک چهارشنبه معمولی در فوریه ۲۰۲۰ است. در یک خیابان آرام و سرسبز حومه شهر در بریزبن[۱]، استرالیا، هانا کلارک[۲] و سه فرزندش، آلیا[۳] شش ساله، لایانا[۴] چهار ساله و تری[۵] سه ساله، در ماشین خود برای رفتن به سمت مدرسه هستند. روآن باکستر[۶]، شوهر سابق هانا و پدر بچه‌ها، در بوته‌ها پنهان شده و منتظر است. هنگامی که مادر و بچه‌ها، همگی روی صندلی خودرو مستقر می‌شوند، وی از ردیف جلو وارد خودرو شده و با ریختن بنزین روی آن‌ها، خودرو و سرنشینانش را به آتش می‌کشد. ماشین در حجم انبوهی از شعله‌ها، منفجر می‌شود. هر سه کودک در خودرو گیر افتاده و زنده زنده می‌سوزند. هانا فرار می‌کند ولی نمی‌تواند بچه‌هایش را از خودرو خارج نماید؛ او همان شب در بیمارستان بر اثر سوختگی ۹۷ درصد از تمام قسمت‌های بدنش، فوت می‌کند. (۱)[۷]

این قتل‌های وحشتناک، نشانگر نیاز به نگاهی اجمالی به یک مسأله جهانی ضروری، بدون هرگونه مقایسه‌ای، است. خشونت خانگی، آسیبی در مقیاس همه‌گیر است که حداقل یک‌سوم زنان در سراسر دنیا، بزه‌دیدگی ناشی از آن را تجربه کرده‌اند و کشورهای توسعه‌یافته با درآمد بالا در حکومت‌های غربی لیبرال دموکراتیک که ظاهر

---

1. Brisbane
2. Hannah Clarke
3. Aaaliyah
4. Laianah
5. Trey
6. Rowan Baxter

۷. توضیحات مربوط به اعداد داخل پرانتز در آخر هر فصل ذکر شده است (م).

صلح‌آمیز هستند نیز از این قاعده مستثنا نیستند (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۳؛ برادل و دیگران[1]، ۲۰۱۹). در ایالات متحده، بیش از ۱۰ میلیون زن، تجاوز جنسی[2] را تجربه کرده‌اند و هر ۱۴ ساعت یک زن توسط شریک فعلی یا سابق خود به ضرب گلوله کشته می‌شود (ائتلاف ملی علیه خشونت خانگی[3]، ۲۰۱۷؛ ۲۰۲۰). در انگلستان و ولز، هر هفته دو زن، توسط شریک عاطفی خود به قتل می‌رسند (اداره آمار ملی[4]، ۲۰۱۹) و به‌رغم جمعیت کمِ استرالیا، در هر هفته یک نفر به همین صورت به قتل می‌رسد (والکات و دیگران[5]، ۲۰۱۹). دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد[6] (۲۰۱۹)، اخیراً تأیید کرده است که خطرناک‌ترین مکان برای زنان، خانه است و این وضعیت رو به بهبود نمی‌باشد.

از زمان شروع همه‌گیری جهانی کووید ۱۹، خشونت خانگی نه‌تنها از نظر شیوع افزایش یافته بلکه از نظر شکل نیز متنوع شده است. محدودیت‌ها و قرنطینه‌های دولتی، زوج‌ها و خانواده‌ها را مجبور کرده است که به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و این نزدیکی فرصت‌های جدیدی را برای مجموعه‌هایی بی‌نظیر و گسترده از آزار و اذیت فراهم کرده و در عین حال، توانایی بزه‌دیدگان را برای کمک گرفتن به‌شدت محدود نموده است. تحقیقات انجام‌شده در بریتانیا و استرالیا نشان می‌دهد که بسیاری از مرتکبان خشونت خانگی، از همه‌گیری ویروس کووید و محدودیت‌های اِعمال‌شده توسط دولت، به‌عنوان ابزار سوءاستفاده و در قالب رفتارهایی نظیر افزایش نظارت و کنترل بیشتر، افزایش انزوای بزه‌دیدگان و محدود نمودن دسترسی آن‌ها به غذا، دارو و سایر ضروریات، بهره می‌جویند (برای مثال رک: باکسال و دیگران[7]، ۲۰۲۰؛ پتزنر و دیگران[8]، ۲۰۲۰؛ سازمان کمک به زنان[9]، ۲۰۲۰). علاوه بر تشدید آسیب‌ها برای کسانی که تاکنون با خشونت خانگی زندگی کرده‌اند، روابط آزاردهنده دیگری نیز در حال ظهور می‌باشند. بوسراپ و دیگران[10] (۲۰۲۰)، گزارش داده‌اند که خشونت خانگی از زمان شروع اقدامات مختلف قرنطینه [در خصوص کووید ۱۹] یک‌سوم افزایش یافته است. خشونت خانگی قبلاً به‌طور گسترده

1. Bradel et al
2. Rape
3. National Coalition against Domestic Violence (NCADV)
4. Office for National Statistics (ONS)
5. Walklate et al
6. The United Nations Ofce on Drugs and Crime
7. Boxall et al
8. Pftzner et al
9. Women's Aid Federation
10. Boserup et al

به‌عنوان یک اپیدمی و یک بیماری فراگیر توصیف شده بود (به‌عنوان مثال پرایس[1]، ۲۰۱۸؛ موریرا و پینتو دا کوستا[2]، ۲۰۲۰). مدیر اجرایی زنان سازمان ملل متحد اخیراً آن را «همه‌گیری ظلمت»[3] کووید ۱۹ نامیده است (ملامبود ـ نگکوکا[4]، ۲۰۲۰).

جنس، جنسیت، خشونت خانگی و کنترل اجباری

داده‌ها به‌صورت واضح بیان می‌کنند که خشونت خانگی یک مسأله جنسیتی است. زنان نیز در خانه از خشونت استفاده می‌کنند و این مسئله غیرقابل پذیرش است، با این حال بیشترین و آسیب‌زاترین خشونت خانگی توسط مردان علیه زنان اِعمال می‌شود (فلود[5]، ۲۰۱۲؛ کایمل[6]، ۲۰۱۳؛ گارسیا ـ مورنو و دیگران[7]، ۲۰۱۵؛ برادل و دیگران، ۲۰۱۹) (۲). اصطلاح «خشونت خانگی» (۳)، شامل مجموعه گسترده‌ای از روش‌های کنترل‌کننده، آزاردهنده و خشن است که توسط مرتکبان برای تسلط و کنترل بر شریک، رابطه و خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرند. استارک (۲۰۰۷)، این موضوع را به‌مثابه «کنترل اجباری» تعریف کرده است: آسیب عمدی و ابزاری که به‌طور عمده مبتنی بر نابرابری جنسی[8] است و غالباً توسط مردان علیه زنان اِعمال می‌شود. روش‌های متداول کنترل اجباری، شامل، رفتارنگاری در سطح خُرد[9]، نظارت، تعقیب کردن، ایزوله کردن، دست‌کاری روان‌شناختی[10]، سوءاستفاده مالی، رفتار جنسی تحقیرآمیز و طیفی از رفتارهای مبتنی بر ارعاب و تهدید است. نکته مهم این است که اگر مرتکبان خشونت خانگی بتوانند کنترل خود را بدون خشونت فیزیکی اِعمال نماید، غالباً از آن استفاده نمی‌کنند و از آنجایی که بسیاری از روش‌های مذکور برای افراد دیگر قابل مشاهده نیستند، از این رو مرتکبان می‌توانند تصویر عمومی مثبت از خود را حفظ کرده و هم‌زمان رژیم وحشت[11] را در خانه اِعمال کنند. این نوع از خشونت خانگی، اغلب پنهان بوده، به‌صورت اشتباه

1. Price
2. Moreira &Pinto da Costa
3. Shadow pandemic
4. Mlambo-Ngcuka
5. Flood
6. Kimmel
7. Garcia-Moreno et al
8. Sexual inequality
9. Micro-monitoring
10. Psychological manipulation
11. Terror at home

درک شده، گزارش نشده، فاقد سند و مدرک بوده و در عین حال بسیار آسیب‌زا و خطرناک است (برایدینگ و دیگران[1]، ۲۰۱۴؛ مایر و فراست[2]، ۲۰۱۹).

در صورتی که بزه‌دیده (۴) جرأت کرده و استقلال خود را اعلام کرده و رابطه را ترک کند، خشونت خانگیِ کنترل اجباری می‌تواند به قتل منجر شود و این چیزی است که برای هانا کلارک اتفاق افتاد. پس از این قتل‌ها، تصویر روشنی از کنترل و رژیم خشن روآن باکستر نمایان شد (نگاه کنید به بروک و فاستر[3]، ۲۰۰۲؛ گلیسون[4]، ۲۰۲۰؛ ژپسن[5]، ۲۰۲۰؛ مک‌گوان[6]، ۲۰۲۰). دوستان و آشنایان به رفتار آزاردهنده مداوم روآن باکستر با همسرش شهادت دادند. مادر هانا فاش کرد که روآن دخترش را از طریق تلفن و شبکه‌های اجتماعی زیر نظر گرفته و تحت تعقیب قرار داده است، او را مجبور کرده که هر شب با او رابطه جنسی داشته باشد، به‌طور مداوم او را به‌صورت جدی تهدید کرده و او را از پوشیدن لباس‌های مورد علاقه‌اش منع کرده است. یک مددکار حمایت از بزه‌دیده، افشای طیفی از سوءاستفاده مالی، کلامی، عاطفی، فیزیکی و جنسی توسط هانا را تأیید کرد. پلیس همچنین گزارش داد که هانا چندین بار در طول زندگی خود با شوهرش، از آن‌ها کمک گرفته است. هنگامی که هانا تصمیم به ترک شوهرش گرفت، او این واقعیت جدید را نپذیرفت و سعی کرد به طرق مختلف کنترل خود را مجدداً اِعمال کند که این مسأله باعث شد هانا [از پلیس] دستور حفاظتی[7] دریافت کند. در زمانی که روآن باکستر همسر سابق و فرزندانش را به قتل رساند، چند هفته قبل از آن قرار بود به دلیل نقض این دستور و تعرض به هانا در دادگاه حاضر شود.

جرایمی از این نوع، یکی از ویژگی‌های رسانه‌ای روزانه و اولویت اصلی موضوعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و سیاست‌گذاری در سراسر جهان غرب است. تنوع حفاظت از بزه‌دیده، پاسخگویی مجرم و بازپروری[8] و اقدامات پیشگیرانه گسترده‌تری وجود دارد. راهکارهای مختلفی از قبیل آموزش روابط مبتنی بر احترام، مشاوره زوجین، خطوط کمکی برای بزه‌دیدگان و مجرمان، مدیریت خشم و برنامه‌های تغییر رفتار، برنامه‌های

1. Breiding et al
2. Meyer & Frost
3 .Brook & Foster
4. Gleeson
5. Jepsen
6. McGowan
7. Protective order
8. Rehabilitation